

## طراز جهانی حقوق بین الملل محیط زیست : راهبردها و رهیافت‌ها

دکتر سیدعباس پورهاشمی، دکتر سبحان طیبی، هادی طالع خرسند

محیط زیست جهانی به سبب رشد و توسعه‌ی روزآمد نحوه زندگی انسانی، نیازمند حمایت و حفاظت از طریق وضع و اجرای قواعد حقوقی الزام آور و غیرالزام آور است. این سنگ بنای نظام حقوقی، منبعث از ساختارهای نهادینه نظام بین الملل معاهداتی و غیر معاهداتی است. در واقع طراز جهانی حقوق بین الملل محیط زیست بر اساس معیارهای سنجش عملکردی ظرفیت‌ها حقوقی، کاستی‌ها و محدودیت‌ها و همچنین روند دیپلماسی محیط زیستی، مشخص می‌گردد. از این رو هدف از انجام این پژوهش تبیین و بررسی شاخص‌های کمی نظیر کمبود منابع مالی و ناکآرامدی نظام ضمانت اجرا و پرهزینه بودن حفاظت از محیط زیست و بررسی شاخص‌های کیفی نظیر مسئولیت نرم و وجود مکانیسم‌های اجرایی و چارچوب نظام کنوانسیون‌ها به منظور سنجش طراز نظام حقوق بین الملل محیط زیست از منظر جهانی است. در این پژوهش دغدغه‌ی ذهنی نویسندگان طرح این سوال است که با وجود تعاملات بین المللی در مسیر تعالی حفاظت از محیط زیست و روند رو به رشد توسعه‌ی حقوق بین الملل محیط زیست، چرا مخاطرات محیط زیستی هر روز در ابعاد وسیع‌تری زیست کره را تهدید می‌نماید و آیا طراز جهانی و جایگاه واقعی حفاظت از اصالت محیط زیست و کرامت بشری حفظ گردیده است؟ این پرسش فروض بسیاری را می‌تواند داشته باشد اما فرضیه‌ی ما بر این بستر استوار است که هر چند توسعه‌ی حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو نظام معاهداتی و قضایی چشمگیر بوده اما عملکرد دولت‌ها در پرتو رویه و اجرا همواره نظم جهانی محیط زیستی را برهم زده و طراز جهانی را همواره در مظان نوسان قرار داده است. با این وصف در این پژوهش، ضمن تبیین روند توسعه به موانع و کاستی‌ها و همچنین آینده‌ی پیش روی حقوق بین الملل محیط زیست می‌پردازیم.

کلید واژگان: حقوق بین الملل محیط زیست، چالشهای زیست محیطی، رهیافت

انتقادی، دیپلماسی سبز، نگاه به آینده

---

## طراز جهانی حقوق بین الملل محیط زیست : راهبردها و رهیافتها

---

- \* سیدعباس پورهاشمی
- \*\* سبحان طیبی
- \*\*\* هادی طالع خرسند

### دیباچه

دغدغه‌ها و تهدیدات محیط زیستی دنیای امروز فراتر از پیش بینی‌های متخصصان و دانشمندان حاضر در اولین کنفرانس بین‌المللی انسان و محیط زیست استکهلم ۱۹۷۲ است. تخریب لایه ازن، تغییر آب و هوا، آلودگی هوا، آب و خاک، کاهش تنوع زیستی، جنگل زدایی و بیابان زایی از مهمترین مشکلات فراروی بشر امروزی است. با شکل گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات حقوقی بین‌المللی که هدف آن حفاظت محیط زیست جهانی است، تدوین، تصویب و اجرایی گردیده‌اند. (Delmas-Marty, 2007)

---

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و مدیر مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل و جهانی شدن کانادا

\*\* دکتری حقوق محیط زیست و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

\*\*\* پژوهشگر دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال پانزدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۳۰-۱۰۷

عملکرد نظام بین‌الملل، همواره شرایط را به سمت بهبود وضعیت و پایایی توسعه سوق داده است اما این روند همیشه موفق نبوده و این مساله ناشی از اختلاف در میزان پایبندی معاهداتی و کاستی‌های نظام ضمانت اجرا است. در واقع این دو شاخص، درجه الویت و اهمیت نظام حفاظت و حمایت از محیط زیست را مشخص می‌سازد. با این وضعیت تخریب محیط زیست در ابعاد وسیع، آلودگی‌های هوا، آب و سایر آلودگی‌های محیط زیستی نه تنها کاهش نیافته‌اند، بلکه در برخی زمینه‌ها نظیر تغییرات آب و هوایی که یکی از بزرگترین چالش‌های جامعه بین‌المللی به شمار می‌آید، افزایش یافته است. به عنوان نمونه متوسط درجه حرارت جهانی ۰٫۸۵ درجه سانتیگراد بین سال‌های ۱۸۸۰ و ۲۰۱۲ افزایش یافته است و دانشمندان پیش بینی کرده‌اند که این افزایش تا ۲۱۰۰ تا متوسط ۳٫۰-۴٫۸ درجه سانتیگراد برسد. (IPCC, 2013) در واقع افزایش متوسط دمای کره زمین به احتمال زیاد باعث تشدید و افزایش گرمایش زمین، خشکسالی، بالا آمدن سطح دریا و ... می‌شود که ممکن است علاوه بر تحت تاثیر قرار دادن فعالیت‌های انسانی، اعمال بسیاری از حقوق اساسی بشر منجمله حق زندگی، حق بر محیط زیست سالم را نیز به خطر اندازد. این وضعیت نشان دهنده ضعف و کاستی حقوق بین‌الملل محیط زیست است. این داده‌های اطلاعی بارها از مجاری رسمی جهانی گزارش شده‌اند و ما بر این اندیشه هستیم که جامعه جهانی به این واسطه ترغیب می‌شود تا بنابر الویت تمام عوامل ایجاد مخاطره برای محیط زیست را کاهش و متوقف سازد اما دریغ از اینکه منافع حداکثری مانع جدی این خواسته حداقلی است. این مساله مهم زمینه ایجاد سوالات زیادی را مهیا می‌سازد اما سمت و سوی ذهنی پرسش تحقیق ما این است که جایگاه حق بر محیط زیست در طراز نظام جهانی حقوق بین‌الملل محیط زیست کجاست؟ و علت این همه مخاطرات محیط زیستی چیست؟ اگرچه می‌توان اینگونه فرضیه سازی کرد که فاصله اندیشه کشورهای شمال و جنوب، عدم پایبندی نظام معاهداتی و عدم توجه به انگاره‌های آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله چالش و کاستی‌های جدی است که تعادل عملکردی حفاظت و حمایت از محیط زیست را در طراز بالا برهم می‌زند. این ادعای بزرگی است که در ادامه این پژوهش بر روی آن پافشاری می‌کنیم.

## ۱. ظرفیتهای حقوقی حقوق بین‌الملل محیط زیست

ظرفیتهای حقوقی حقوق بین‌الملل محیط زیست در انطباق با وضعیت دانش و علم محیط زیست و در حال رشد بودن آن و با توجه به شناخت جنبه‌های جدید میزان و شدت آسیب‌های وارده بر محیط زیست انسانی و طبیعی ایجاد گردیده‌اند که در مقایسه با سایر رشته‌های حقوق بین‌الملل عمومی از برتری خاصی برخوردار است.

### - برخورداری از مکانسیم حقوقی دایمی برای همکاری بین‌المللی

معاهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل محیط زیست در صدد ایجاد مکانسیم حقوقی دایمی، برای گسترش همکاری میان دولت‌های عضو معاهده می‌باشند، بدین معنا که کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی با ایجاد ساختار و سازمان‌هایی تلاش می‌کنند تا همکاری میان دولت‌ها در حفاظت محیط‌زیست، یک همکاری دایمی و سازمانی باشد. بنابراین ملاحظه می‌شود که در بسیاری از معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی، ساختاری برای اجرای کنوانسیون در نظر گرفته شده است. (Lavieille, 1997) در این خصوص معاهدات زیست‌محیطی به دو صورت در راستای برخورداری از مکانسیم حقوقی دایمی برای همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها گام برداشته‌اند: نوع اول؛ ارجاع معاهده زیست-محیطی به یک سازمان بین‌المللی موجود می‌باشد که در این خصوص می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی، لندن<sup>۱</sup> ۱۹۹۰ اشاره کرد که سازمان بین‌المللی دریانوردی<sup>۲</sup> را به‌عنوان سازمان کنوانسیون معرفی کرده است. نوع دوم؛ معاهده زیست‌محیطی در متن خود یک سازمان بین‌المللی را به‌عنوان یک مکانسیم حقوقی دایمی ایجاد می‌کند. به‌طور نمونه می‌توان از کمیسیون بین‌المللی حفاظت از راین در برابر آلودگی‌ها نام برد که توسط متن کنوانسیون برن ۱۹۶۳ درباره حفاظت از رودخانه راین ایجاد گردید. (Kiss&Beurier, 2004)

## - وجود مکانیسم اجرایی، اصلاح و بازنگری

معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی دارای مکانیسم اجرایی است و بر خلاف معاهدات حقوق بین‌الملل عمومی که اساساً خود اطراف معاهده به تنهایی نسبت به سایر اعضا، نظارت و کنترل را دارند، اما در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یک دولت به تنهایی نمی‌تواند، کنترل‌کننده و ناظر اجرای معاهده باشد، بلکه بایستی دولت‌ها، برای اجرای معاهدات، مکانیسم خاصی پیش‌بینی نمایند. همچنین در معاهدات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، پروسه اصلاح و بازنگری معاهده پر رنگ تر است، از آنجا که مسائل مربوط به محیط‌زیست همواره در حال تغییر و تحول بوده و دانش و علم نتوانسته همه ابعاد محیط‌زیست را مورد کشف و اکتشاف قرار دهد، از این‌رو در معاهدات زیست‌محیطی مکانیسم اصلاح و بازنگری پیش‌بینی شده است. در حال حاضر به خوبی قابل درک است که بسیاری از چالش‌های زیست محیطی جهانی در نوع هستند.

معاهدات و موافقت‌نامه‌های زیست محیطی چند جانبه<sup>۳</sup> با پیش‌بینی نهاد کنفرانس اعضا ظرفیت حقوقی ویژه‌ای ایجاد نموده‌اند که منجر به گسترش ابزارهای حقوقی بین‌المللی برای حفاظت محیط زیست و حفاظت گردیده است. در واقع کنفرانس اعضا با بررسی گزارش‌های مداوم و مستمر از وضعیت اجرای معاهده و با در نظر داشتن چالش‌های زیست محیطی می‌تواند نسبت به اصلاح و بازنگری آن اقدام نماید. (Goodwin, 2013)

## - تأکید بر حقوق نرم و انعطاف پذیر

یکی از ویژگی‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست، تدوین و تصویب اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، قطعنامه‌ها، ابزارهای برنامه‌ای، مکانیسم‌های ارشادی می‌باشد. این مکانیسم در معاهدات زیست‌محیطی نیز به اعضا و اطراف معاهده، توصیه می‌کند که متناسب با شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره بین کشورهای خود قوانین ملی وضع کنند تا اهداف کنوانسیون در نظام داخلی به‌درستی پیاده شود. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نسبت به حقوق بین‌الملل عمومی از انعطاف بیشتری برخوردار است. از این‌رو دولت‌ها ضمن برخورداری از حق حاکمیت بر منابع داخلی خود، نسبت به مدیریت، حفاظت و حمایت محیط‌زیست خود از

آزادی عمل بالاتری برخوردار می‌باشند و می‌توانند قواعد و اصول حقوقی الزام‌آور را در چارچوب سیاست‌های زیست‌محیطی ملی خود اجرا نمایند.

### - بهره‌برداری از نظام کنوانسیون - چارچوب

سیستم کنوانسیون - چارچوب<sup>۵</sup> یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی است. کنوانسیون - چارچوب معمولاً برای دولت‌هایی است که تمایل دارند، کلیات، اصول و تعهدات کلی خود را در یک متن حقوقی، تحت‌عنوان کنوانسیون، تدوین نمایند و متعاقباً اسناد یا متون حقوقی دیگری را در راستای اصول و اهداف کنوانسیون تدوین نمایند که اصطلاحاً به این نوع متون، پروتکل<sup>۶</sup> گفته می‌شود. ارائه پروتکل در حقوق محیط‌زیست بیشتر از حقوق بین‌الملل عمومی مشاهده می‌شود و آن ناشی از عدم توافق کلی کشورها در بدو همکاری است، به طوری که دولتها ابتدا هنگام انعقاد کنوانسیون - چارچوب در کلیات با هم به توافق می‌رسند، لیکن جزئیات آن را منوط به توافقات آینده و در قالب پروتکل‌ها می‌نمایند. همچنین موضوعات محیط‌زیست چون تابع زمان است و طی زمان، تغییراتی در آن حاصل می‌گردد. دولت‌ها نمی‌توانند در یک سند واحد همه ابعاد موضوع را مورد توافق قرار دهند، از این‌رو تلاش می‌کنند در سند اولیه تحت عنوان کنوانسیون - چارچوب به کلیات موضوع بپردازند و در اسناد آتی تحت‌عنوان پروتکل‌ها نسبت به جزئیات موضوع توافق نمایند. (Kiss, 1993)

### - مسئولیت نرم

بر خلاف حقوق بین‌الملل عمومی که مبتنی بر رهیافت سنتی از مسئولیت بین‌المللی دولتها است. «مسئولیت»<sup>۷</sup> در حقوق بین‌الملل محیط زیست براساس «مسئولیت نرم»<sup>۸</sup> شکل گرفته است. گرچه به طور سنتی می‌توان متون حقوقی متعددی درباره «مسئولیت سخت»<sup>۹</sup> در حقوق بین‌الملل محیط زیست مشاهده کرد، که از آن جمله می‌توان به «مسئولیت بین‌المللی آلودگی فرامرزی» اشاره کرد، ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست در تلاش است تا یک نوع مسئولیت مدنی که مبتنی بر «جبران خسارت» می‌باشد را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به عنوان یک مسئولیت ناشی از «خطا» شناخته می‌شود نه مسئولیت ناشی

از «فعل یا ترک فعل» که عنصر «جرم» معرف آن است. (زارع، پورهاشمی، ۱۳۸۶)

## ۲- کاستی‌ها و محدودیتهای حقوق بین‌الملل محیط زیست

کاستی‌ها و محدودیتهای حقوق بین‌الملل محیط زیست به این معنی است که علی‌رغم ظرفیتهای موجود و با همه تلاشهای بین‌المللی جامعه جهانی برای حفاظت محیط زیست در این چند دهه اخیر، ولی تهدیدات و مخاطرات زیست محیطی نه تنها کاهش نیافتند، بلکه در بسیاری از زمینه‌های افزایش نیز یافته‌اند.

### - اختلاف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

جنبش هنجاری و ساختاری بین‌المللی برای تدوین و اجرای مقررات و قواعد حقوقی اعم از الزام آور و غیر الزام آور برای مقابله با تهدیدات محیط زیست جهانی از دهه ۱۹۷۰ آغاز گردید و با فراز و نشیب‌هایی ادامه یافت. اما پیشرفت دانش و علم محیط زیست به تدریج باعث وسیع تر شدن دامنه این تهدیدها علیه بشریت گردید. در همین چارچوب، مذاکرات و دیپلماسی محیط زیستی در بعد منطقه‌ای و جهانی در صدد ایجاد مکانیسم همکاری بین‌المللی دائمی برای کنترل، نظارت و کاهش تخریب محیط زیست برآمد. تدوین و تصویب بیش از هزار معاهده و کنوانسیون بین‌المللی دوجانبه و چند جانبه یکی از آثار جنبش هنجاری بین‌المللی تلقی می‌شود. با این همه، اختلاف میان کشورهای جنوب و شمال، توسعه یافته و در حال توسعه و کشورهای صنعتی و غیر صنعتی علاوه بر تحت تحت تأثیر قرار دادن مذاکرات زیست محیطی، از نظر ساختاری نیز موانعی برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست ایجاد نموده است. این اختلافات به خصوص در موضوع تغییرات آب و هوایی و گرمایش زمین مبنی بر قبول مسئولیت بیشتر برای کنترل آلودگی هوا بیشتر نمایان گردیده است. (Poorhashemi et al, 2012)

### - حاکمیت دولتها

گرچه حاکمیت دولتها در حقوق بین‌الملل محیط زیست نقش اساسی و کلیدی برای

اعمال صلاحیت و پذیرش مسئولیت بین‌المللی دارد و اسناد الزام آور و غیر الزام آور متعددی از جمله رأی داوری بین‌المللی در قضیه تریل اسملتر ۱۹۴۷<sup>۱۰</sup> و اصل ۲۱ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ بر آن دلالت دارد. با این همه، بر اساس حقوق بین‌الملل محیط زیست، دولت‌ها نباید از سرزمین خود به گونه‌ای استفاده کنند که موجب ضرر و زیان به دیگر سرزمین‌ها شوند. به عبارت دیگر دولت‌ها به موازات بهره‌مندی از آزادی در استفاده از سرزمین خود، تکالیفی نیز بر عهده دارند که می‌تواند محدودیتهایی را برای آنها ایجاد نماید.<sup>۱۱</sup> علاوه بر آن با توجه به توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل محیط زیست حاکمیت دولت‌ها به معنای بهره برداری و استفاده منطقی و معقولانه از سرزمین است. (مصفا و حسین‌زاده هاشمی، ۱۳۹۵)

با این برداشت حقوقی از مفهوم حاکمیت، یکی از موانع اساسی توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست عدم تمایل دولت‌ها به تفویض حاکمیت یا محدود کردن آن به نفع سازمان‌های محیط زیستی در سطح بین‌المللی است. ساختار سیاسی حاکمیت همواره میل به تمرکز دارد و علاقه‌ای نسبت به تفویض آن به دیگر مراکز قدرت و تصمیم‌گیری ندارد. از سوی دیگر، رویارویی و تضاد منافع میان بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل (دولت‌ها) در خصوص حفاظت محیط زیست یکه ناشی از حاکمیت ملی دولت‌ها است، توسعه و گسترش حقوق بین‌الملل را باچالش مواجه می‌کند. این تضاد منافع می‌تواند شامل منافع سیاسی، اقتصادی، تجاری و .... باشد. علاوه بر آن تضاد منافع کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته در اعمال و اجرای مقررات و قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز یکی از محدودیتهای فراروی این رشته حقوقی است. با وجود اصل مسئولیت مشترک اما متمایز دولت‌ها، در بسیاری از منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست کشمکش میان این دو گروه از دولت‌ها دیده می‌شود. رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص مشروعیت تهدید و بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶<sup>۱۲</sup> نیز نمونه بارز اعمال فشار بر این نهاد بین‌المللی توسط کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای بود. گرچه یکی از اصول مهمی که از بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ تا به حال در بیانیه‌های بین‌المللی محیط زیستی مطرح شده، اصل حاکمیت می‌باشد که در حقیقت حاکمیت دولت‌ها را باز تعریف می‌کند و تعریف جدیدی از مفهوم حاکمیت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست متکی بر مفهوم «استفاده منطقی و



معتولانه» از سرزمین ارائه می‌کند ولی سایه حاکمیت مطلقه همچنان در حقوق بین‌الملل محیط زیست سنگینی می‌کند. (Nouzha, 2000 & Brichambaut, 1996)

### – تنوع و گوناگونی منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست

گرچه حقوق بین‌الملل محیط زیست در مقایسه با حقوق بین‌الملل عمومی دارای منابع جدید حقوقی است و ساختار سنتی منابع مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را شکسته و منابع جدیدی را به رسمیت شناخته است، اما تنوع این منابع به خصوص در بخش معاهدات بین‌المللی اعم از دو جانبه و چند جانبه سبب شده است که تعهدات و مسئولیتهای متضاد و متعارضی برای دولتهای عضو به همراه داشته باشد. این موضوع سبب شده است تا نظام هنجاری حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان نظام حقوقی با نظام ارزشی یا اخلاقی تقلیل پیدا کند و این مسئله سبب بروز مشکل در تعریف مسئولیت بین‌المللی دولتها شده است. علاوه بر آن، تنوع و تکثر منابع حقوقی گرچه می‌تواند به عنوان نقطه قوت این رشته حقوقی به شمار آید، ولی از آنجا که این نظام حقوقی فاقد مکانیسم تنقیح و تدوین مقررات بین‌المللی است، اثر بخشی خود را از دست داده است. از این رو بیش از نیاز به تدوین مقررات وقواعد حقوقی، نیاز به بازنگری اساسی در منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست است که بتواند به طور موثری کارآیی داشته باشد. به طور کلی منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست به خصوص معاهدات زیست محیطی به جای بیان اصول و مفاهیم تکراری که در بسیاری از منابع به چشم می‌خورد، نیازمند تمرکز بر تأمین منابع مالی، برنامه‌های ملی، انتقال تکنولوژی، ظرفیت سازی، مقررات سازمانی و سازو کارهای اجرایی است تا بتواند به طور موثر و مستمر از محیط زیست جهانی حفاظت نماید. (Zarif, 2017)

### – گستردگی ابعاد موضوعات زیست محیطی

محیط زیست شامل همه ابعاد زندگی بشر از جمله آب، هوا، خاک و هر آنچه که در کره زمین و ماورای جو وجود دارد، می‌شود و ابعاد موضوعات زیست محیطی بسیار

گسترده‌اند. تدوین مقررات و قوانین برای هر یک از بخش‌های زیست‌محیطی زمان بر است. بنابراین برای اینکه حقوق محیط‌زیست در این شرایط توسعه یابد، باید موضوعات برنامه‌ای، توسعه‌ای و طولانی مدتی را برای این بخش طراحی کند، که این مسأله هم کشورهای دارای توانایی‌های علمی و فنی و هم کشورهای فاقد توانایی‌های علمی و فنی را با مشکلاتی مواجه کرده است. از طرفی دیگر عدم توسعه کافی علم و دانش بشری در خصوص موضوعات مرتبط با محیط زیست بر این مشکلات می‌افزاید. در واقع دانش و علم بشری هنوز نتوانسته همه ابعاد محیط زیست را در بر بگیرد.

### - پرهزینه بودن حفاظت محیط‌زیست و کمبود منابع مالی

پرهزینه بودن حفاظت محیط‌زیست و کمبود منابع مالی، خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه که از نظر تعداد بیشترین کشورها هستند و منابع مالی کافی برای حفاظت محیط‌زیست را ندارند، اجرای بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل را که نیاز به هزینه‌های مالی دارد با مشکلات جدی روبرو کرده است. (پورهاشمی، ارغند، ۱۳۹۲) از این رو همواره برای اجرای موفق تعهدات بین‌المللی، نیازمند بستری مناسب جهت اخذ تسهیلات در خصوص حفاظت از محیط زیست و ثبات توسعه پایدار هستیم. بنابراین وجود مکانیسم منابع مالی، از جمله ضروری‌ترین ابزارهای موثر حمایت و حفاظت از محیط زیست جهانی می‌باشد. (منشادی و اسماعیل‌زادگان، ۱۳۹۶)

### - ناکارآمدی نظام ضمانت اجرا

گرچه گرایش سنتی حقوق بین‌الملل عمومی مبتنی بر حسن همجواری و منافع متقابل بوده، ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست بیش از آن بر اصولی چون منافع مشترک بشریت، منافع عمومی جامعه جهانی، میراث مشترک بشریت، بهره‌برداری منطقی و معقولانه از سرزمین استوار گردیده است. این اصول گرچه ذاتاً ظرفیت بالای حقوقی حقوق بین‌الملل محیط زیست را در مقابل حقوق بین‌الملل عمومی نشان می‌دهد (Chazournes, ۱۹۹۸)، ولی در عین حال می‌تواند به یکی دیگر از موانع توسعه آن نیز به شمار آید. در واقع، اصول

کلی یادشده صرف نظر از ابهام در مفهوم و کاربرد صحیح حقوقی آن، فاقد ضمانت اجرا است و فقدان ضمانت اجرای این اصول کلی سبب گردیده تا قدرت اجرایی آنرا کاهش دهد. این همان دغدغه‌ای است که همواره پایه‌های تعهدات بین‌المللی زیست محیطی را به لرزه درآورده و آئین پیروی از قواعد آمره و پایبندی به تعهدات مشترک بین‌المللی را دچار خلل کرده است.

### ۳- چشم‌اندز آینده: راهکارها و پیشنهادهایی برای توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست

این پژوهش در صدد بیان انحصاری همه فرصتها و چالشهای فراروی توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست نیست، بلکه در صدد است تا ضمن بررسی ابعاد محوری حقوق بین‌الملل محیط زیست، به تبیین بسترهای موجود در این زمینه پردازد و رهیافت‌های متنوع را زمینه‌ساز گفتمانی جهانی کند. اگرچه در بستر فرصت‌ها، برای حل محدودیتها و مشکلات فراروی حقوق بین‌الملل محیط زیست، راهکارهای زیادی قابل تصور است.

#### - بین‌المللی کردن حفاظت محیط زیست

یکی از این راهکارها برای تضمین حفاظت محیط زیست کره زمین، اتخاذ رهیافت «بین‌المللی کردن» حفاظت محیط زیست است. این رهیافت بر دو پایه حقوقی استوار می‌باشد. از یک طرف بر قواعد و مقررات اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست که تبعیت از آن برای اعضای جامعه جهانی الزامی است. مبنای حقوقی این قواعد و مقررات عمدتاً «عرفی» است و مبتنی بر حقوق عرفی است که امروزه برخی از آن به عنوان «قواعد آمره بین‌المللی»<sup>۱۳</sup> در آمده است. (Dupuy, 1997) برخی از اصول پایه‌ای حقوق بین‌الملل محیط زیست از قبیل اصل «ممنوع بودن صدمه به دیگر سرزمین‌ها»، اصل «استفاده عادلانه و منطقی از سرزمین»، اصل «همکاری متقابل» و اصل «پیشگیری» باید در حفاظت محیط زیست جهانی مد نظر قرار گیرد. بنابر این توسعه مفهومی و ماهوی حقوق بین‌الملل می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر برای حل محدودیتها و موانع فراروی حقوق بین‌الملل محیط زیست تلقی گردد (زارع، پورهاشمی، ۱۳۸۶) و از طرف دیگر، «بین‌المللی کردن»

حفاظت محیط زیست بر اصل « نهاد سازی »<sup>۱۴</sup> حقوق بین‌الملل محیط زیست معاصر مبتنی شده است. نهادی سازی حقوق بین‌الملل به معنای ایجاد و گسترش سازمانها و نهادهای بین‌المللی برای حفاظت مؤثر و کارآمد محیط زیست می‌باشد.

### - توسعه عدالت زیست محیطی و همبستگی بین‌المللی

رهیافت عدالت و همبستگی بین‌المللی<sup>۱۵</sup> حلقه مفقوده اقدامات یکجانبه دولتها برای حفاظت محیط زیست تلقی می‌شود. این رهیافت همچنین می‌تواند شکاف و اختلاف کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را در موضوعات زیست محیطی کاهش دهد و به توسعه محتوایی و شکلی این رشته حقوقی کمک شایانی نماید. عدالت زیست محیطی در یک چشم انداز برای عدالت گسترده تر تعبیه شده و تلاش برای ارتقاء عدالت اقتصادی و قدرت سیاسی به معنای به حاشیه کشیدن عدالت زیست محیطی نیست. (Kurbanov, ۲۰۱۶) عدالت زیست محیطی بر نیازهای مردم فقیر و آسیب پذیر تاکید دارد و ویژگی مهم آن تلاش در جهت عدالت اجتماعی و اخلاق زیست محیطی است. جنبش‌های عدالت زیست محیطی در جهت چالش‌های توزیع ناعادلانه امکانات در جهت رفع موانع زیست محیطی بوجود آمده که به طور کلی در جهت بهبود حفاظت از جوامع انسانی است. در حال حاضر با گسترش دامنه جامعه جهانی و با توجه به نابرابری‌های موجود و توسعه نامطلوب اقتصادی تخریب‌های زیست محیطی بوجود آمده است. (تقوی و طیبی، ۱۳۹۱) در این راستا حقوق همبستگی، حقوقی است فرانسلی که انسان در جامعه بین‌المللی از آنها متمتع می‌شود. صلح، توسعه دموکراتیک و محیط زیست سالم، سه محور اصلی حقوق نسل سوم هستند که زیربنای لازم را برای بهره برداری از حقوق نسل‌های اول و دوم فراهم می‌آورد. در پرتو این گفتمان تعامل دوسویه عدالت زیست محیطی و حقوق همبستگی نشان از تلاش بی وقفه‌ی جامعه بین‌المللی برای گفتمان سازی حقوق بشری در این خصوص دارد.

### - توسعه پایدار

جهان پیرامون در بستر حرکت با محوریت رشد و توسعه همواره در حال تغییر و تحول است. این حرکت یک حرکت ساده نیست بلکه یک حرکت همراه با رشد شتابنده است. در این بستر، رشد و توسعه تحت تدابیر ساکنین جهانی انجام می‌پذیرد. این تدابیر گاه با رعایت و اهتمام کامل پایداری به چارچوب‌های قاعده مند است و گاه این تدابیر بدون توجه به رعایت چارچوب‌های نهادینه است. این چارچوب همانا "پایداری" و "عدم پایداری" است. در این راستا توسعه همواره بر اساس منافع شکل می‌گیرد که گاه این توسعه با منافع همخوانی دارد که توسعه پایدار است و گاه توسعه و پایداری باهم منافات دارند که این توسعه ناپایدار است. زمانی که توسعه در بستر منافع اقتصادی حرکت رو به جلو دارد بی شک پایداری دچار خلل می‌گردد و این جریان کشورهای در حال توسعه، برخی کشورهای جزیره‌ای کوچک، کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته را در بر می‌گیرد. دلیل این اختلال همانا وابستگی‌های اقتصادی، اقتصادهای در حال گذار و اختلالات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین وجود نابسامانی‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی در این جوامع و تضاد تحولات بهنگام و نابهنگام موجب نافرجام ماندن توسعه در مسیر مناسب است.

رابطه بین حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری مفهوم "توسعه پایدار" است. توسعه پایدار آشتی دادن نظام مند و هنجاری محیط زیست بین‌المللی، از یک سو، و اقتصادی بین‌المللی از سوی دیگر است. همانگونه که در اصل اول بیانیه ریو ۱۹۹۲ تصریح شده است، انسان محور توسعه پایدار است زیرا انسان‌ها مستحق برخورداری از یک زندگی سالم و خلاق در هماهنگی با طبیعت می‌باشند<sup>۱۶</sup>. در این چارچوب، حقوق همبستگی به عنوان حقوق نسل سوم بشری با توسعه پایدار تکامل می‌یابد. بنابر این حق توسعه باید به نحوی اعمال شود که متساویاً نیازهای نسل کنونی و نسل‌های آینده را در زمینه توسعه و حفظ محیط زیست برآورده سازد.<sup>۱۷</sup> پایداری توسعه و توسعه پایدار در مسیر توسعه و حفاظت بی چون و چرای محیط زیست و منابع طبیعی در جهت حفظ میراث مشترک بشری است. در راستای درون‌سازی یا جهانی شدن، توسعه جایگاه ویژه‌ای داشته و این ویژگی از آنجایی پراهمیت جلوه می‌کند که گزینه پایداری را با

خود به همراه داشته باشد. اشاره به این نکته ضروری می‌نماید که توسعه بدون پایداری فرآیند جهانی شدن را دچار خلل ساخته و جهان را به ورطه بحران می‌کشاند. به زبان ساده تر می‌گوییم اگر صرف توسعه باشد و پایداری وجود نداشته باشد، زیست بوم و زیست کره نابود می‌گردد. این یک پیام تبلیغاتی نیست و در حال حاضر نیز جهان با وضعیت خوبی به لحاظ زیست محیطی روبرو نبوده و بحران‌ها و مخاطرات زیست محیطی از جمله تغییرات آب و هوایی گریبانگیر جهان امروز است. بنابراین محیط زیست پایدار و جهانی شدن در راستای هم هستند و شایسته تر آن است که در راه جهان اندیشی، زیست اندیش باشیم. (طیعی، میرترابی، ۱۳۹۳)

صرف نظر از نزاع مفهومی در خصوص توسعه پایدار، امروزه توسعه پایدار یکی از مهمترین و مقبول ترین رهیافتها برای حفاظت محیط‌زیست است. این رهیافت در قلمرو داخلی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است و بسیاری از کشورها مکانسیم حفاظت محیط زیست را با رهیافت توسعه پایدار همگام نموده‌اند. توجه به اقتصاد سبز، به ویژه پس از تشکیل اجلاس ریو + ۲۰ یکی از گرایش‌های مهم در این زمینه به شمار می‌آید. با این همه فراگیر شدن رهیافت توسعه پایدار در بسیاری از کشورها با موانعی وجود دارد. (Anton, ۲۰۱۲) با این حال، تمرکز بر توسعه پایدار و اجرای الگوهای ملی برای اجرای صحیح آن با توجه به عوامل جغرافیایی، زیست محیطی، فرهنگی و سیاسی کشورها می‌تواند گام مهمی برای حفاظت محیط زیست کره زمین به شمار آید. از این رو برای چشم انداز آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌توان نهادینه شدن حق بر توسعه را ممکن دانست. در این چارچوب ایجاد رشته "حقوق بین‌الملل توسعه پایدار" دور از انتظار نیست.

### – الزام بخشی به اصل مسئولیت مشترک اما متمایز توسط دولتها

یکی از مهمترین اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست که تأثیر زیادی در تحقق نسبی عدالت زیست محیط داشته است، اصل مسئولیت مشترک اما متمایز دولتهاست. این اصل مبتنی بر این واقعیت تاریخی است که کشورهای توسعه یافته از یک سو سهم بیشتری در بهره گیری از محیط زیست جهان و تخریب آن داشته‌اند و فشار بیشتری را بر منابع طبیعی

وارد کرده‌اند و از سوی دیگر تکنولوژی و منابع مالی بیشتری برای بهسازی محیط زیست و مقابله به تخریب آن در اختیار دارند. بنا بر این اگر چه حفظ محیط زیست بین‌المللی و دستیابی به توسعه پایدار در سطح جهان مسئولیت مشترک همه کشورهای با هر سطحی از توسعه یافتگی است، وظایف کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه برای تحقق این معنی متفاوت است. (پورهاشمی، سید عباس و بهاره ارغند، ۱۳۹۲)

این اصل گرچه از نظر حقوقی اساساً مبتنی بر اسناد غیر الزام آور و مبتنی بر حقوق نرم است ولی با این همه در بسیاری از اسناد بین‌المللی منجمله معاهدات بین‌المللی بر آن تأکید شده است. همچنین رعایت این اصل می‌تواند شکاف کشورهای صنعتی و غیر صنعتی را در حفاظت محیط زیست جهانی کاهش دهد. با این همه برای فراگیر شدن و اجرایی شدن این اصل نیاز به الزام آور بودن آن است. بنابراین الزامی ساختن این اصل در معاهدات بین‌المللی می‌تواند گامی مهمی برای تحقق عدالت زیست محیطی در حوزه بین‌المللی به شمار آید. (Beyerlin, 2006)

### – مشارکت عادلانه

مشارکت در تصمیم سازی و اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست یکی از پایه‌های مهم حفاظت جهانی محیط زیست است. مشارکت در بعد داخلی شامل مشارکت عمومی در تصمیم سازی و اجرای تصمیمات محیط زیستی است و مشارکت در بعد بین‌المللی ناظر به مشارکت همه دولتها اعم از فقیر و غنی، توسعه یافته و در حال توسعه، صنعتی و غیر صنعتی در امر تصمیم سازی بین‌المللی است. در این چارچوب، مشارکت عادلانه مبتنی بر مشارکت همه بازیگران داخلی و بین‌المللی اعم از دولتی و غیر دولتی به صورت مساوی و دارا بودن حق رأی مساوی در تصمیم گیری محیط زیست است.

انتظار می‌رود، حقوق بین‌الملل محیط زیست انواع مشارکت را که باعث رواج پیروی بیشتر از تعهدات بین‌المللی می‌شوند به احاطه خود درآورند. مشارکت مداوم عاملان جدید با منافع و گرایشهای مخالف با وضع موجود مخرب برای محیط زیست قابل انتظار است. درریو و ژوهانسبورگ گروه‌های مردمی بسیاری با دستور کار زیست محیطی اکید در

کنوانسیون‌ها و نشست‌های مردمی، موازی آنها شرکت کردند و اقدامات رسمی را تحت تأثیر قرار دادند. از آن هنگام به بعد صدها گروه اقدام زیست‌محیطی در تمام مناطق دنیا تشکیل شده‌اند. (دی متو، ترجمه طیبی، ۱۳۹۴)

### - جرم انگاری تخریب محیط زیست به عنوان جرایم بین‌المللی

عبور از "جنایت علیه بشریت" از گذر به رسمیت شناختن "جنایت علیه نسل‌های آینده" می‌تواند علامت پیشرفتی از احساس مسئولیت مضاعفی نسبت به آینده، شرایط آینده بشر و دیگر گونه‌های زنده و محیط زیست باشد. بدیهی است حقوق کیفری بین‌المللی هنوز راهکارهایی حقوقی مشخصی برای جرم انگاری تخریب محیط زیست به عنوان جرائم بین‌المللی ندارد ولی چشم انداز آینده حقوق بین‌الملل می‌تواند "جنایت علیه نسل‌های آینده" را به عنوان جرم بین‌المللی در نظر گیرد. (Gaillard, 2011) گرچه دیوان کیفری بین‌المللی علاوه بر رسیدگی به جرایم بین‌المللی سنتی مانند نسل‌کشی و یا جنایات علیه بشریت، یکی از نهادهای قضائی برای به رسمیت شناختن جرم "تخریب وسیع محیط زیست" به عنوان جرم بین‌المللی محسوب می‌شود ولی جامعه جهانی برای اجرای کامل آن با محدودیتهایی روبرو است. توسعه هنجاری و همکاری بین‌المللی در تدوین شاخص‌های جرم‌انگاری زیست‌محیطی می‌تواند خلأحقوقی جرم‌انگاری زیست‌محیطی را جبران نماید. در واقع جرم‌انگاری تخریب عمدی و وسیع محیط زیست به عنوان جرم زیست‌محیطی و به رسمیت شناختن "تروریسم زیست‌محیطی" (پورهاشمی و دیگران، ۱۳۹۴) می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای کیفری حقوق بین‌الملل به شمار آید. در همین راستا، جهان امروز هم گام با روند جهانی شدن و جهانی سازی چارچوب‌های موجود درگیر چالش‌های جدیدی در عرصه زیست‌کره و زیست‌بوم است. امروزه سوء استفاده از محیط و موجودات زنده جهانی، هم به صورت هدف و هم به عنوان ابزاری برای فعالیت تروریستی آشکار و نمایان گردیده است. در این راستا «جنگ سبز» با تغییر چهره تروریسم به عنوان پدیده‌ای نوظهور در دنیای معاصر پدیدار گشته است. تروریسم سبز یا زیست‌محیطی از جمله تروریسم نوین بوده که عناصر زیست‌محیطی به راحتی در جهت و مسیر



فعالیت‌های تروریستی قرار گرفته است. تروریسم زیست محیطی همانند جنگ زیست محیطی مشتمل بر استفاده از عوامل طبیعت به منظور مخاصمه است. (طیبی و آزادبخت، ۱۳۹۴) تروریسم زیست محیطی هم هدف‌گیری خود محیط زیست مانند آلوده کردن تعددی منابع آب یا کشاورزی و هم استفاده از محیط زیست به عنوان مجرای برای ویرانگری نظیر انتشار سلاح شیمیایی یا بیولوژیکی به داخل اتمسفر را در بر می‌گیرد. عناصر اکوسیستم جهانی که به منظور مخاصمه مورد استفاده قرار گرفته یا می‌توانند بگیرند، در دامنه عوامل پیچیده هسته‌ای تا انرژی ساده و کارآمد آب قرار دارند. در این راستا استفاده از چنین عواملی در گذشته عواقب مخربی از قبیل مرگ و میر، صدمه جسمی و مخاطرات خطرناک اکولوژیکی را در بر داشته است. (وایت، ترجمه طیبی و نمایان، ۱۳۹۴)

#### – ارتقاء سطح برنامه سازمان ملل متحد به سازمان جهانی برای حفاظت محیط زیست

برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست که پیرو بیانیه ریو ۱۹۷۲ تأسیس شد و تا به حال فعالیت نموده است، ظرفیت مدیریت و حفاظت جهانی محیط زیست را ندارد و تنها در حد یک برنامه برای تشویق دولتها برای حفاظت محیط‌زیست عمل می‌کند، لذا زمان آن رسیده است که سازمانی جهانی برای حفاظت محیط‌زیست با اختیارات و قدرت لازم تشکیل و جایگزین آن گردد. بدیهی است مباحث مربوط به تأسیس این سازمان جهانی نیز خارج از کشمکش کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نخواهد بود، با این همه، تغییر ساختاری برنامه سازمان ملل متحد می‌تواند گام مهمی برای توسعه حفاظت محیط زیست کره زمین باشد. با این وصف در زمینه چالش‌های زیست محیطی در وسعت جهانی، مدیریت جهانی محیط زیست حائز اهمیت است. نظام‌مدیریتی حفاظت محیط زیست جهانی با هر عنوانی از قبیل آژانس بین‌المللی محیط زیست، مقام بین‌المللی محیط زیست، سازمان محیط زیست جهانی، طرح دبیرخانه‌های مشترک<sup>۱۸</sup> و... با دارا بودن اقتدار لازم یکی از ضرورت‌های کارآمدی حقوق بین‌المللی محیط زیست است. (Leary&Pisupati, 2010)

نکته‌ای که در اینجا بایستی بدان اشاره شود اینکه حقوق‌دانان بین‌الملل باید از قانونگذاری نمادین زیست‌محیطی اجتناب داشته باشند، چراکه قانونگذاری بدون توجه به

تأثیر هنجارهای وضع شده یا تعهداتی که کشورها تقبل کنند خودبرانداز است. باید زمان و تلاش بیشتری را صرف افزایش نظارت بر پیروی و اجرای تعهدات موجود کرد. اگر حقوق بین‌الملل محیط زیست در کل باورپذیر و موثق نباشد پیشروی به سوی هدف توسعه پایدار محال است. (Handl, 1994) به هر ترتیب بایستی نهضت جهانی محیط زیست، همواره در مسیری سبز هدایت شود تا بتوان با انواع گونه‌های مخاطره‌انگیز در زیست کره مقابله کرد و این مساله میسر نخواهد شد مگر آنکه به تمام ابعاد حفاظت از محیط زیست جهانی و ارتقاء سازکارهای آن توجه نمود. در این راستا واکنش آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست (و به طور گسترده تر حکومت محیطی جهانی) به چالش‌های زیست محیطی موجود و جدید ضرورتی است که یک فرایند تکاملی چندوجهی و چندبعدی خواهد بود که در بسیاری از موارد از ساز و کارهای موجود کمک می‌گیرد و آنها را ارتقاء می‌دهد و یا روش‌های کاملاً نوینی را برای واکنش دهی توسط عواملان جدید و ابزارهای جدید در موارد دیگر ابداع می‌کند. آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست (به عنوان بخشی از حکومت زیست محیطی جهانی) مانند محیط زیست جهانی که درصدد حفاظت از آن برای نسل‌های آینده است، یک پدیده پویا و همیشه متغیر خواهد بود. (طیبی، میرترابی، ۱۳۹۳)

#### -از دیپلماسی محیط زیست تا حقوق سبز جهانی

دیپلماسی محیط زیست یکی از موضوعات اصلی و کارآمد برای تعامل کشورها و نهایتاً تعامل شهروندان و عمیق تر شدن صلح و دوستی است. دیپلماسی محیط زیست چارچوبی معتدبه در جهت تحقق حفاظت از محیط زیست جهانی و توسعه پایدار است. این فرآیند تقویت کننده زمینه حیات بشر در زیست کره است. در این راستا همکاری‌های بین‌المللی بایستی در مسیر توسعه قرار گیرد و بر حفاظت از منابع و میراث مشترک بشری تاکید گردد. با این حال پایبندی به معاهدات بین‌المللی و عمل به آن از سوی هریک از دولت‌ها مورد انتظار است و اگر به غیر از این باشد جهان به روند ناامید کننده خود کماکان ادامه خواهد داد. بنابراین به نظر می‌رسد دیپلماسی محیط زیست یک از موثرترین راهبردهای حفاظت و توسعه پایدار در زیست کره محسوب می‌گردد. (طیبی، ۱۳۹۲) به هر ترتیب حفاظت از

محیط زیست به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل در جوامع بین‌المللی شناخته شده است و محیط زیست بین‌المللی یکی از مسائل مهم و روز در جهان است که تمامی جوامع امروزه به این موضوع که محیط زیست مسئله‌ای مهم و جدی است پی برده‌اند و در تلاش هستند که محیط زیست اطرافشان را به همان‌گونه که هست حفظ کنند و از نابودی و تخریب آن جلوگیری به عمل بیاورند. یکی از مهم‌ترین رویکردها در این زمینه گسترش مناسبات کشورها و تقویت روابط بین‌الملل در پرتو دیپلماسی می‌باشد. (Mojtahed-Zadeh & Zarei, 2017) در این راستا تلاش‌های مشترک با تمرکز بر تعاملات بین‌المللی، همگرایی بین‌المللی را در پی دارد. این مسیر، تضمین‌کننده حفظ محیط زیست و تسهیل گر زمینه مقابله با مخاطرات زیست محیطی است. (Tayebi et al, 2015) اگر چه سنگ بنای کلیه کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی و شکل‌گیری کلیه اسناد معاهداتی بین‌المللی در چارچوب دیپلماسی بین‌المللی محیط زیست بوده اما مهم‌تر از این دیپلماسی محیط زیست زمینه ساز همکاری‌های موثر بین‌المللی در نیل بسوی توسعه پایدار و صلح پایدار است. درای راستا شالوده خلق حقوق سبز جهانی مؤثر، ایجاد زمینه‌های مشارکت بر پایه توافقنامه‌های دو و چند جانبه توسط کشورها است. در این فرآیند جهت‌گیری به سوی دیپلماسی پایدار و عدالت محوری در خصوص محیط زیست نیازمند نگرش تعاملی است. تقلاي جامعه بین‌المللی نیز برای حفظ منابع طبیعی و در عین حال ارتقاء کیفیت زندگی انسانی با امعان نظر به حقوق بشر و کرامت انسانی بر مبنای عدالت، حاکمیت و قانون یک رویکرد بنیادین است که لاجرم به سمت وسوی توسعه پایدار رفته است. (Tayebi et al, 2016) به هر ترتیب دیپلماسی محیط زیست ابزاری مؤثر، راهبردی محکم و راهکاری متقن برای هم‌افزایی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در راه تحکیم بخشیدن و ثبات دادن به حفاظت از زیست کره همگام با حفاظت از میراث مشترک بشری و غنا بخشنده حقوق سبز جهانی است.

## دستاورد

توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل محیط زیست بیش از هر چیز مرهون گسترش کمی و

کیفی معاهدات بین‌المللی، آرا و رویه‌های قضایی بین‌المللی و گسترش حقوق نرم بوده است. با این همه افزایش مخاطرات، تهدیدها و تخریب وسیع محیط زیست سبب نگرانی‌هایی برای عدم کارایی حقوق بین‌الملل محیط زیست برای مقابله با این چالش‌ها شده است. در این چارچوب بازنگری اساسی در حقوق معاهدات، نگرش قضات دیوان بین‌المللی دادگستری، اصلاح ساختار برنامه سازمان ملل متحد برای محیط زیست، به رسمیت شناختن نقش بازیگران غیر دولتی می‌تواند راهکارهایی برای جبران خلأهای حقوقی و اجرایی حقوق بین‌الملل محیط زیست در مواجهه با چالش‌های جدید و در حال ظهور زیست محیطی، با در نظر داشتن "اصل اثربخشی" باید به دنبال تدوین و تصویب مقررات جامعی بود که بتواند ارتباط تعریف شده‌ای میان توسعه پایدار، حقوق بشر زیست محیطی و نظام اقتصادی برقرار نماید.

"جامع‌نگری" در فرایند تدوین، تصویب و اجرای مقررات و قواعد بین‌المللی یکی از چشم‌اندازهای آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست است. در این رهیافت علاوه بر ارتباط سه‌گانه یاد شده، در کلیه طرح‌ها، برنامه‌ها، سیاستها و تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در قلمرو داخلی و بین‌المللی حفاظت محیط زیست به عنوان محور توسعه قرار می‌گیرد.

رهیافت انتقادی به حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز در محیط‌های علمی و آکادمیک می‌تواند چالش‌ها و کاستی‌های این رشته نسبتاً نوپای حقوق بین‌الملل عمومی را نشان دهد و راهکارهایی را برای حل آن پیشنهاد دهد. از این رو بازسازی و نوسازی حقوق بین‌الملل محیط زیست با هدف ارائه یک چارچوب حقوقی مطلوب ناظر به توسعه پایدار با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی کشورها ضروری به نظر می‌رسد. در همین راستا، ناهمگونی اجرای مقررات محیط زیستی و همچنین ضعف در پایداری معاهداتی نیز طراز جهانی حق بر محیط زیست را با نوسان روبرو ساخته است.

به هر ترتیب، حفاظت از محیط زیست جهانی در چارچوب یک نهضت با تاکید بر محوریت حق بر محیط زیست نمایانگر اهمیت فوق‌العاده آن است و بدین سبب هر نوع

کوتاهی در این راه قابل چشم پوشی نیست چرا که ممکن است فرصتی دیگر تکرار نشود و تجدیدپذیری صورت نپذیرد. در این راستا نگرانی در مورد محیط زیست نباید باعث نادیده گرفتن تعهدات جامعه جهانی، چه در جوامع در حال توسعه و چه جوامع صنعتی گردد. (لری، پی سویاتی، ترجمه طیبی، ۱۳۹۳) مسئله محیط زیست باید در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه در دورنمای مناسب خود قرار گیرد. انحطاط محیط زیست به رغم گسترش توافق نامه‌های زیست محیطی بین‌المللی ادامه یافته و چالش‌های زیست محیطی جدیدی همواره پدیدار شده‌اند. اگرچه امروزه زیست کره در پرتو دیپلماسی محیط زیست بالنده گی خود را حفظ می‌کند اما راهی به جز تعامل و همکاری در این فرآیند نامطلوب حاکم بر وضعیت محیط زیست جهانی وجود ندارد.

## بی نوشتها:

1. International Preparedness,(1990) Response and Co-operation (Oil Pollution Preparedness), London.
2. International Maritime Organization (IMO)
3. Multilateral Environmental Agreement (MEA)
4. Conference of the Parties (COP)
۵. Convention Frame Work
۶. Protocol
7. Responsabilité
8. Soft Responsibility
9. Hard Responsibility
10. Trail smelter case (United States, Canada) 16 April 1938 and 11 March 1941

۱۱. اصل دوم بیانیه ریو ۱۹۹۲

12. Legality of the Use by a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict, 1996.
13. *Jus cogens*
14. Institutionalization
15. International solidarity and justice

۱۶. اصل اول بیانیه ریو ۱۹۹۲

۱۷. اصل سوم بیانیه ریو ۱۹۹۲

۱۸. این پیشنهاد که باید دبیرخانه‌ها را ادغام و کارکردها را برای تمام معاهدات زیست‌محیطی یکپارچه کرد از این نتیجه‌گیری حاصل شده که چند دبیرخانه با اهداف متقاطع با هم همکاری می‌کنند، که با این ادغام کارایی در تخصیص‌دهی و مصرف منابع مالی حاصل می‌گردد، و به رابطه مجاورت کادر هر دبیرخانه با بقیه دبیرخانه‌ها و رایزنان و مشاوران علمی آنها می‌تواند در پیدا کردن آگاهی و اطلاع‌یابی از عناصر سازندگی انحطاط محیط زیست جهان تسریع کرد. در این خصوص و جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: دی متو، جوزپ، (۱۳۹۴) حقوق بین‌الملل و محیط زیست جهانی، ترجمه: سبحان طیبی، انتشارات حقوقی مجد، صص ۲۳۵-۲۵۰.

## منابع:

- پورهاشمی، سید عباس، نمایان پیمان، طیبی سبحان (۱۳۹۴) "جرم انگاری تروریسم زیست محیطی؛ چالش‌ها، هنجارها و راهبردها" فصلنامه علمی پژوهشی علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هفتم، شماره یک، بهار، صص ۱۶۷-۱۸۲.
- پورهاشمی، سید عباس و ارغند، بهاره، حقوق بین‌الملل محیط زیست، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۲، ص ۱۲۶.
- تقوی، لعبت و طیبی، سبحان. (۱۳۹۱). چالش‌های جهانی حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ تغییرات آب و هوایی تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات پلیس بین‌الملل، سال سوم، شماره ۱۱، ص ۱۲۳.
- دی متو، جوزپ، (۱۳۹۴) حقوق بین‌الملل و محیط زیست جهانی، ترجمه: سبحان طیبی، انتشارات حقوقی مجد، ص ۲۱۳.
- زارع، علی و پورهاشمی، سید عباس، (۱۳۸۶) توسعه نوین در حقوق بین‌الملل محیط زیست با تأکید بر کنوانسیون حقوق بهره برداری از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتریانی، ۱۹۹۷، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۵ ص ۱۱۰-۱۰۱.
- طیبی، سبحان و آزادبخت، بی تا (۱۳۹۴)، حفاظت از محیط زیست در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه (چشم اندازی برای توسعه پایدار)، انتشارات حقوقی مجد، صص ۲۶۵-۳۱۰.
- طیبی، سبحان و میرترابی، هدیه سادات (۱۳۹۳)، دیپلماسی محیط زیست؛ رهیافتی موثر در نیل به سوی حفاظت و توسعه پایدار، دومین همایش ملی برنامه‌ریزی، حفاظت حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار اسفندماه، همدان و چاپ در مجموعه مقالات رهیافت‌های نوین در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست، باهتمام سبحان طیبی، انتشارات خرسندی، در حال چاپ، صص ۸۳۴-۸۴۴.
- طیبی، سبحان (۱۳۹۲)، دیپلماسی محیط زیست: فرآیند موثر حفاظت از محیط زیست جهانی، وبلاگ دانشمندان حقوق ایران فردا، به نشانی: <http://ehsantohid.blogfa.com>
- لری، دیوید کنت و پی سو پاتی، بالا کرشنا (۱۳۹۳)، آینده حقوق بین‌الملل محیط زیست در عصر جهانی شدن، ترجمه سبحان طیبی، صفیه طیبی، انتشارات مرکز ملی مطالعات جهانی شدن نهاد ریاست جمهوری، صص ۳۹۳-۳۹۶.
- مصفا، نسرین و حورا حسین‌زاده هاشمی (۱۳۹۵)، "حمایت حقوقی از پناهجویان تغییرات

- اقلیمی"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۳، شماره ۱ (۴۹)، تابستان، صص ۴۰-۱.
- منشادی، مرتضی و بهروز اسماعیل‌زادگان (۱۳۹۶)، "بحران آب و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، دوره ۱۴، شماره ۱۴ (۵۵)، زمستان، صص ۲۴۱-۲۱۱.
- وایت، راب (۱۳۹۴)، جرایم علیه طبیعت؛ جرم‌شناسی محیط‌زیست و عدالت زیست‌محیطی، ترجمه پیمان‌نمایان و سبحان طیبی، انتشارات حقوقی مجد، ص ۱۵۱.
- Anton, Donald K, (2012) "The 2012 United Nations Conference on Sustainable Development and the Future of International Environmental Protection", *Consilience: The Journal of Sustainable Development*, Vol. 7, Iss. 1, Pp. 64-7۲
- Beyerlin, Ulrich, (2006) " Bridging the North-South Divide in International Environmental Law", *Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht*, <http://www.zaoerv.de>.
- Chazournes, L. Boisson de, (1998) « La protection de l'environnement global et les visages de l'action normative internationale », 1998, p. 47.
- Delmas-Marty. M., (2007) « A quoi sert le droit international ? Le droit international providence du XXIème siècle », *in RBDI*, 1, p. 10 et 11.
- Dupuy, P.M, (1997) « Où en est le droit international de l'environnement à la fin du siècle ? », *RGDIP*, No4, p. 890.
- Gaillard, Emilie, (2011) Des crimes contre l'humanité aux crimes contre les générations futures : Vers une transposition du concept éthique de responsabilité transgénérationnelle en droit pénal international?, *The McGill International Journal of Sustainable Development Law and Policy (JSDLP) Volume 7: Issue 2*, p. 183
- Goodwin, EJ, "Delegate Preparation and Participation in Conferences of the Parties to Environmental Treaties", *International Community Law Review*, 2013, P. ۴۵-۷۶
- Handl, Gunther. (1994). Controlling Implementation and Compliance with International Environmental Commitments: The Rocky Road from Rio. *Colorado Journal of International Environmental Law and Policy* 5: 305-331.
- IPCC, *Summary for Policymakers* (2013), 27 September, IPCC WGI AR5, aux pp. SPM-3 et SPM-15.
- Kiss. A et, Beurier J.P., (2004) **Droit international de l'environnement**, Paris,



